



شکارچیان انسان پشت انسانی را با تیغ نوشتند!

وحید صادقی از فعالان سیاسی روز شنبه ۴ خرداد ماه از منزل خارج پس از سوار شدن به ماشین کرایه ای با سلاح کمری تهدید شده و دست و چشمان وی را بسته و به خانه امن در منطقه دور افتاده برده می شود.

در صفحه ۳

* * * * *

ساختمان فرمانداری در وسط بیابان

حسین انصاری راد نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنرانی در مجلس گفت: " در تاریخ ۷۶/۳/۱۱ جاجرم به عنوان شهرستان مورد تصویب قرار گرفت و در تاریخ ۷۷/۳/۱۵ شهر گرمه دچار آشوب گردید و خسارتی به اموال عمومی وارد شد و راه بجنورد به جاجرم مسدود گردید و حملاتی به مسئولان عالیترتبه استان شد و در نهایت با استفاده از نیروی ویژه و سرکوب شدید مردم و وعده حل مشکل مردم، آشوب مهار شد.

در صفحه ۳

* * * * *

در این شماره

۳ اخبار و گزارشات داخلی

اعتصاب غذای زندانی سیاسی در مهاباد
دانشجوی دانشگاه اصفهان ربوده شد
شکارچیان انسان پشت انسانی را با تیغ نوشتند

۳ اخبار کارگری ایران

اخراج کارکرپان یک واحد تولیدی
کارگران کفش ملی دست به اعتراض زدند

۶ اخبار کارگری جهان

اعتصاب کارگران چاپ در آلمان
اعتصاب عمومی در پرو

ادامه از نشریه شماره ۱۸

نیم نگاهی به جنبش اخیر معلمان

شهردار وام دار ۱۷ میلیارد تومانی و قطع دست آفتابه دزد؟؟؟

بنا به گزارش ایسنا ، صورت اموال و دارائی ملک مدنی شهردار تهران ۱۷ میلیارد تومان است . بنا به گزارشهای ، ملک مدنی در سال ۱۳۶۵ در بدو تصدی پست شهرداری اصفهان ، صاحب یک دستگاه اتومبیل پیکان و منزلی به اندازه ۱۵۰ متر مربع در نقطه ای در شهر اصفهان که هنوز در حال باز پرداخت وام بود . بنا بر این استدلال اگر آقای ملک مدنی از همان موقع ماهی یک میلیون تومان حقوق و مزایا دریافت کرده باشد و همه را هم پس انداز کند در طول ۱۵ سال ۱۸۰ میلیون تومان می شود که با مبلغ ۱۷ میلیارد تومانی تفاوت فاحشی دارد .

وجود رشوه، ارتشا، دزدی از اموال و دارائی مردم ، از راه های به اصطلاح قانونی رایج و مرسوم است . مدیران دولتی با دریافت پورسانت و راه اندازی شرکت های نیمه دولتی و نیمه خصوصی و یا خصوصی به پروت های باد آورده دست می یابند . هزینه های جاری این نوع شرکت ها از بودجه دولت یعنی از منابع ملی پرداخت میشود . همچنین از امتیازات نرخ ارز دولتی ، سهمیه واردات و معافیت مالیاتی برخوردار و از حساب رسی دولتی نیز خارج هستند . علت وجودی این شرکتها ارائه خدمات مالی به مدیران و حمایت از مدیران دولتی و افزایش قدرت مدیران دولتی بود . با دریافت وام از بانک جهانی و بانکهای اروپائی ، گسترش اقتصاد و رونق بازار تولید و سرمایه بصورت کاذب گردید و این نوع شرکتها گسترش یافت، این شرکتها بر اساس آئین نامه های داخلی اداره می شوند و تحت کنترل وزارت خانه های مربوطه و یا سازمان های اقتصادی و مؤسسات اداری قرار دارند و عموماً بشکل دلالی در اقتصاد کشور عمل می کنند و انجام قراردادهای خود را بصورت دست دوم به شرکت های دیگر واگذار می کنند. قدرت آنها طوری است که می توانند مبلغ قراردادهای را تعیین و به بودجه عمرانی و . . . دولت اعمال نمایند در حقیقت این شرکتها به صورت دلالی در اختیار باندهای مافیائی رژیم در آمدند از این زاویه هر کدام از جناحها سعی می کند بر اهرمهای قدرت دولتی مسلط شوند . این نوع سازماندهی از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی شکل گرفت و باند مافیای دولتی از میان مدیران ارشد رژیم بوجود آمد. این باند با استفاده از قدرت اجرائی و با حمایت هاشمی رفسنجانی کارهای مطالعاتی و اجرائی و خدماتی را در اختیار خود گرفت و بسیاری از شرکت های دولتی قدرتمند را به شکل نیمه خصوصی و نیمه دولتی در آورد و با استفاده از معافیت مالیاتی از حساب رسی دولتی خارج ساخت و حقوق کلان و پاداشهای مختلف به حساب مدیران ارشد پرداخت نمود . با استفاده از صدور

شهردار وام دار ۱۷ میلیارد تومانی و قطع دست آفتابه دزد؟؟؟

موافقتهای اصولی و تخصیص ارزهای سهمیه ای با قیمت دولتی در بازار تجاری وارد شد و کنترل بخشی از واردات و صادرات را در اختیار گرفتند و چنان بازار آشفته ای بوجود آوردند که تمامی بودجه های تولیدی از مدار تولید خارج و در اختیار دراکولای دلالی قرار گرفت . جالب اینکه مدیران در حیطه مأموریت خود اقدام به تأسیس شرکتهای خصوصی " فامیلی " با استفاده از امکانات شرکتهای نیمه خصوصی و نیمه دولتی و یا ارگانهای دولتی نمودند و تبدیل به دلالمهای دست دوم شدند و قراردادهای آنها را آنچنان که خود می خواستند تنظیم و به اجرا در آوردند. این وضعیت در مؤسسات خدماتی و دولتی کاملاً وجود داشت بر همین اساس جنگ قدرت برای گرفتن اهرمهای دولتی در رژیم جمهوری اسلامی ، بین جناحهای مافیائی به امری حیاتی تبدیل شده است و هر کدام از مدیران منتصب شده با گله ای از مدیران بخشهای مختلف و مشاوران و مدیران فنی سیستم مدیریتی خود را بوجود می آورند و اعوان و انصار خود را با خود یدک میکشند و روابط مخفی بوجود می آورند و قراردادهای کاملاً سری برقرار می کنند . این باند در شهرداری ها از این وضعیت استفاده کرده و به سرمایه های افسانه ای دست یافتند و مردم را مقروض و بده کار کردند.

در صنایع و معادن در گیری بین جناحها حاد تر است و تصاحب منابع اقتصادی موجب در گیری و مناقشات در میان سران جناحهای رژیم مبدل گردید. بخشی از صنایع و معادن و کارخانجات و مؤسسات تولیدی در اختیار باند مافیای سنتی قرار دارد و توسط بنیادهای متعدد و با ولایت خامنه ای اداره می شود و تقریباً تحت رهبری خامنه ای قرار دارند و جدا از سیستم اداری قوه مجریه عمل می کند. بخش دیگر در اختیار قوه مجریه است که نا همگون و بر اساس وضعیت جناحی مدیران آن وابسته به یکی از باند های حاکمیت است بهر حال هردو جناح می خواهند صنایع و معادن و . . . را وارد بازار دلالی کنند . بودجه عمرانی، اعتبارات باز سازی صنایع و معادن و مؤسسات تولیدی را به حد اقل می رسانند و با اعلام ارقام و بیلان ضرر دهی این نوع مؤسسات طرح واگذاری را پیش می کشند تا از این راه بتوانند کارخانجات و صنایع و معادن را مجانی در اختیار گیرند. هردو جناح باند مافیائی سعی دارند سهم بیشتری از غارت اموال عمومی تصاحب کنند و هم قسمتی از این غنایم را نصیب مخلصان خود کنند . جناح سنتی با تسلط بر قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی در صدد تثبیت قدرت مذهبی ولایتی است و سیاست اقتصادی آن با تولید و رشد صنایع همخوانی ندارد . مواد اولیه را روی کشتی به فروش میرسانند و با تصاحب مؤسسات تولیدی و کارخانجات اموال و دارائی های آنان را به حراج می گذارد. جناح ولایتی سعی دارد انحصار واردات و صادرات را در دست گیرد و با ایجاد فروشگاههای زنجیره ای رفاه و با راه اندازی بازار روزهای مختلف شهرداریها اختلاف دارد. شهرداران که عموماً از باند کارگزاران سازندگی هستند از طریق کنترل طرحهای و فروش تراکم و با خرید املاک به سودهای میلیاردی دست می یابند. واگذاری خدمات شهرداری به بخش خصوصی و در یافت پورسانتهای کلان و یا ایجاد شرکتهای صوری برنده مناقصه قراردادها شده و با واگذاری به افراد دیگر میلیاردها تومان به جیب مدیران ارشد شهرداری ها می رسد

حال باید پرسید بر سر قراردادهای بین المللی چه آمده است . این همه در گیرها و مسافرتهای پی در پی خارج کشور برای چیست . قراردادهای بین المللی با پورسانتهای کلان همراه است و بسیاری از این پورسانتها بستگی به مذاکرات پشت پرده و ساخت و باخت های مخفی دارد و هر کدام از جناحها می خواهد دیگری را از این منبع پر سود بی نسیب بگذارد از این زاویه است که سیاست خارجی رژیم و روابط اقتصادی فرا مرزی دارای اهمیت بسزائی است که هر کدام از جناح ها می خواهند روابط بین المللی را منحصرأ در اختیار گیرند و پورسانتهای کلان دلاری را تصاحب کنند. از طرف دیگر سران رژیم مایل نیستند که وارد منافصه های بین المللی بشوند و سعی می کنند که اساس قراردادهای مخفی بماند، بخصوص در این آشفته بازاری روابط بین الملل و سیاست خارجی رژیم ، دست انحصارات بین المللی را کاملاً باز گذاشته و منابع ملی را بهر شکل ممکن بدست غارتگران و سرمایه داران جهانی می سپارند . در خاتمه باید اضافه نمود که اگر می خواهیم به واقعیت دارائی های سران رژیم دست پیدا کنیم باید حسابهای بانکی خارجی هر کدام از سران رژیم را مورد بررسی قرار دهیم تا به اوج جنایتهای اقتصادی برسیم . در کلامی میتوان گفت ، بهتر است به حسابهای ولی امر " خامنه ای " هم نظری افکنده شود ، با این یاد آوری که روزه خوان زمان نه چندان دور حالا موجودی حسابهای بانکی اش به عرش می رسد و در عوض موجودی افراد جامعه هر روز تهی تر می شود و افرادی نیز برای امرار و معاش خانواده و سیر کردن شکم بچه ها دست به آفتابه دزدی می زنند و در مقابل قانون مجازات اسلامی ارتجاعی دستها قطع شده و یا به زندان و اعدام در ملا عام محکوم می شوند . در صورتی که دزدان میلیون ها دلاری و میلیارد ها تومانی در پناه رژیم و قانون مجازات اسلامی در امنیت به سر می برند.

* * * * *

**افشای قراردادهای ارتجاعی و ضد مردمی
با غارتگران بین المللی گامی است در جهت
رسوائی باندهای رژیم اسلامی**

آدرس پست الکترونیکی کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

**نشریات کار کمونیستی و جهان کمونیستی و
آخرین اطلاعیه های سازمان را از آدرس غرفه
سازمان در اینترنتی دریافت کنید**

www.fedayi.org

www.fedayi.se

ساختمان فرمانداری در وسط بیابان

حسین انصاری راد نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنرانی در مجلس گفت: " در تاریخ ۷۶/۳/۱ جاجرم به عنوان شهرستان مورد تصویب قرار گرفت و در تاریخ ۷۷/۳/۱۵ شهر گرمه دچار آشوب گردید و خساراتی به اموال عمومی وارد شد و راه بجنورد به جاجرم مسدود گردید و حملاتی به مسئولان عالیترتبه استان شد و در نهایت با استفاده از نیروی ویژه و سرکوب شدید مردم و وعده حل مشکل مردم، آشوب مهار شد. دولت دو شهر جاجرم و گرمه را ادغام و شهرستان گرمه و جاجرم را تصویب نمود و در وسط بیابان فرمانداری ساخت و فرماندار را مستقر نمود. اما جاجرم در تاریخ ۷۷/۵/۲۲ و ۷۷/۱۱/۲۰ دچار شورش گردید و به شدت سرکوب شد و صدها نفر بازداشت و زندانی شدند. شدت سرکوب به حدی بود که فرمانده نیروی انتظامی وقت گفت: " اما جاجرم را چند برابر شدیدتر از دانشگاه سرکوب کردیم. " اما جاجرم از پای ننشست و از گرفتن شناسنامه برای نوزادان به نام گرمه و جاجرم تا کنون خود داری نموده و انتخابات شورای شهر را تحریم نمود."

* * * * *

اعتصاب غذای زندانی سیاسی در مهاباد

خسرو کردپور زندانی سیاسی به اتهام اقدام علیه امنیت کشور از طرف دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان مهاباد به هشت سال زندان محکوم گردیده دست به اعتصاب غذا زد. خسرو کردپور در نامه ای دلایل اعتصاب غذای خود را خطاب به انسانهای آزادیخواه بدین شکل اعلام می دارد. " با درود به وجدانهای بیدار و سلام به پیشگاه ملت، در مجموعه ای که مسئولین آن در جهت رعایت حقوق انسانها حرکت نمی کنند یا ظرفیت قانونی لازم را برای نیل بدان ندارند، بزرگترین قربانی اعضای تحت کنترل آن کجکوعه هستند. به ناچار افراد تحت کنترل آن مجموعه به مرحله ای می رسند که برای دست یابی به حقوق انسانی خود با فراغ بال به پیشواز مرگ می روند و آن تعریفی کامل از مجموعه کنونی زندانیان سیاسی موجود در زندان مهاباد می باشد." در بخش دیگر نامه کردپور نا رضایتی خود را از دادگاه های چند دقیقه ای و غیر علنی و صدور احکام سنگین و شکنجه اعلام و تا رسیدگی به وضعیت موجود اعتصاب خود را ادامه خواهد داد.

* * * * *

دانشجوی دانشگاه اصفهان ربوده شد

محمد ستاری فر ۴۸ ساعت بعد از مفقود شدن در یک بیمارستان در غرب کشور پیدا شد !!! این جوانم ۳۰ ساله دانشجوی دانشگاه اصفهان به هنگام سفر از تهران به اصفهان ربوده می شود و رد تاریخ ۶ خرداد با خانواده اش تماس می گیرد.

مأموران موفق می شوند اتومبیل وی را در جاده قزوین پیدا کنند. و بعد از تحقیقات معلوم می شود که ۵۰ میلیون تومان وی را نیز به سرقت برده اند.

* * * * *

شکارچیان انسان پشت انسانی را با تیغ نوشتند!

وحید صادقی از فعالان سیاسی روز شنبه ۴ خرداد ماه از منزل خارج پس از سوار شدن به ماشین کرایه ای با سلاح کمری تهدید شده و دست و چشمان وی را بسته و به خانه امن در منطقه دور افتاده برده می شود. پس از ضرب و شتم با دستها و چشمهای بسته او را کاملاً لخت کرده و بر تخت شکنجه می بندند و بازوی او را با اسید بشدت مجروح میکنند. سپس او را از تخت باز کرده و انگشتان شصت دست و پای او را می بندند و در همین حالت اقدام به باز جویی و تفتیش عقاید می نمایند. در مقابل دفاع از منتظری که زمانی قائم مقام خمینی بود با سیخ پهن داغ سمت چپ سینه او را داغ می کنند و سپس با ریختن باروت فشنگ بر محل داغ و چند نقطه دیگر از سینه آن را می سوزانند. با آتش فندک موهای سینه او را به تدریج می سوزانند و به او آمپول تزریق می کنند و در حالت سرگیجه و عدم تعادل او را مجدداً مورد ضرب و شتم قرار می دهند.

این جلادان کار را بدانجا می رسانند که پشت وی را با تیغ نوشته و با آتش علامت گذاری می کنند. وحید صادقی در بیمارستان تحت کنترل ومعالجه است و دادستانی نیز در صدد صدور حکم زندان در مورد این شخص است.

* * * * *

اخبار کارگری ایران

اخراج کارگران یک واحد تولیدی

جمعی از کارگران شرکت نگهدار وابسته به شرکت کفش ملی نسبت به اخراج کارگران و توقف خط تولید اعتراض کردند. ۹۷ نفر از کارگران این واحد تولیدی در اول خرداد ماه اخراج گردیدند و خط تولید آن موقتاً تعطیل گردید. مدیر کارخانه اعلام کرده است که بعد از اخراج کامل کارگران با استخدام کارگران جدید خط تولید را راه اندازی خواهد کرد.

* * * * *

کارگران کفش ملی دست به اعتراض زدند

صدها تن از کارگران کارخانه کفش ملی در اعتراض به سیاستهای رژیم و تعویق پرداخت حقوق و مزایای خود و همچنین تعطیلی برخی از کارخانجات وابسته به این گروه صنعتی در روزهای دوشنبه و سه شنبه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت جاده قدیم تهران کرج را مسدود کردند. رژیم با استفاده از نیروهای انتظامی برای سرکوب اعتراضات کارگران جو پلیسی سنگینی در اطراف کارخانه بوجود آورد.

۴ خرداد ماه هزاران تن از کارگران گروه صنعتی ملی در مقابل کارخانه " جاده قدیم کرج " تجمع کرده و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. کارگران در مقابل دخالت مأموران انتظامی و یگان ویژه ضد شورش به اعتراضات خود ادامه داده و همچنین نسبت به اخراج و انحلال برخی از شرکتهای وابسته به گروه صنعتی ملی و تغییر ساعات کار و حذف پاره ای از مزایا اعتراض نمودند.

* * * * *

نیم نگاهی به جنبش اخیر معلمان

بررسی مختصر اعتراضات معلمان

الف - پراکندگی و نبود تشکلهای مستقل

این قشر زحمتکش و نیروی فکری جامعه با اینکه از نظر کمی نیروی قابل توجهی را تشکیل می دهند ولی پراکندگی این نیروها، یکی از علل عقب ماندگی این قشر در تحولات اجتماعی بوده است. با نگاهی به گذشته این مسئله روشن می شود. شرکت معلمان در تحولات دمکراتیک و انقلابی ایران همواره بدون هویت مستقل بوده و در حرکات اجتماعی حل شده است و بدون احساس کسب مدیریت جمعی مراکز آموزشی را پایگاه اجتماعی خود قرار داده است. آسانترین راه برای پیشرفت فردی را در مراکز آموزشی و ادارات آموزش و پرورش تا رسیدن به مدیری و مدیرکلی یافته و در این راه تلاش نموده است. این شخصیت فرهنگی کمتر به مسائل صنفی سیاسی پرداخته است. بنابر این ضرورت حرکت جمعی را از دست داده و حتی از حرکات صنفی عقب مانده است. عاجز از ایجاد تشکلهای مستقل خود دنباله رو تشکلهای دولتی گشته است.

ب - پراکندگی در جنبش های اجتماعی و نقش سرکوب رژیم آموزگاران در تولید اقتصادی بطور مستقیم دخالت نداشته و نقش آنان در تولید غیرمستقیم و یا خدماتی است. بنابراین قشر نمی تواند بعنوان یک طبقه مستقل عمل نماید و رهبری تغییرات در روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را بدست بگیرد و دیگر طبقات و اقشار را با خود همراه کند. درثانی با توجه به وسعت این قشر، بخشی از این گروه اجتماعی بنا به موقعیت بالای اداری و شغلی از خواسته ها و امیال بورژوازی حمایت کرده و در مقابل تغییرات رادیکال نقش منفی بازی می کنند. بخش پائینی این قشر که از نظر تعداد آمار بالائی دارد از حرکات دمکراتیک و رادیکال حمایت کرده و گرایش بطرف سوسیالیسم پیدا می کند. بخش میانی این قشر در تب و تاب جنبشهای اجتماعی ناپایدار بوده و به این سبب در حرکت مستقل صنفی ناپایدار بوده و بسیار محافظه کار است. با تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی و همچنین حرکات ارتجاعی رژیم بخش وسیعی از معلمان و فرهنگیان از دولت جدا گشته و دست به حرکات اعتراضی خواهند زد. در نهایت برای رسیدن به مطالبات خود تشکلهای صنفی متفاوتی بوجود خواهند آورد. در یک دهه اخیر با وجود بازار کار کاذب، معلمان برای تأمین هزینه های سرسام آور زندگی، به شغل دوم روی آورده و یا به تدریس خصوصی می پرداختند و به بازنگشتگی زودتر از موعد فکری کردند تا تمام وقت وارد بازار کار شوند.

با رشد سرسام آور هزینه زندگی و رکود بازار کار، معلمان راهی بجز مبارزه، برای احقاق حق و حقوق خود در چپاچوب وضعیت موجود نیافتند و مجبور شدند حقوق پایمال شده را مستقیماً از دولت مطالبه نمایند. آنان از طریق مجاری اداری و عموماً به بصورت کتبی درخواستهایی طرح می کردند و عموماً نتیجه ای بدست نمی آوردند. هر روز به ناراضیاتی آنان افزوده می شد و شکاف بین آنان و حکومت آشکارتر می شد. در چند سال گذشته معلمان اعتراضات و تظاهرات پراکنده ای در بهبود وضعیت معیشتی خود برگزار کردند که عموماً یا وعده و وعید و یا با تهدید مواجه گردیده و بدون نتیجه ماندند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از بدو تشکیل به دست آوردها

و نهادهای دمکراتیک و انقلابی بهمن سال ۱۳۵۷ با بیرحمی تمام یورش برد. نهادهای دمکراتیک و انقلابی را سرکوب کرد. کمونیستها و مبارزین را زندانی و دسته دسته به جوخه های اعدام سپرد، دخالت خود را حتی به زندگی خصوصی افراد گسترش داد. توسط نهادهای سرکوب از قبیل انجمنهای اسلامی، شوراهای اسلامی، سپاه پاسداران، بسیج، امورتربیتی و... به شناسائی تشکلهای سیاسی و دمکراتیک و مبارزان دست زد و تعداد زیادی از آنها را بازداشت، شکنجه و زندانی کرد. نیروهای انقلابی و دمکرات را دسته دسته به جوخه های اعدام سپرد، حکومت جنایت و وحشت را برقرار و هر اعتراضی را بشدت سرکوب نمود و جو پلیسی را در جامعه حاکم نمود. در نتیجه سیاستهای اقتصادی رژیم، بحران اقتصادی تعادل جامعه را بهم زده و فاصله فقر و غنا شدت می گیرد. در چنین جامعه ناپایدار انفجار گروههای اجتماعی امری است طبیعی و هر حرکت بظاهر آرام به طوفانی چه بسا شدید تبدیل شده و حرکات اعتراضی بسرعت رادیکالیزه می شوند.

وضعیت معلمان را می توان به دو مورد اساسی تقسیم کرد.

اول: وضعیت معیشتی

فشار اقتصادی گریبان تمامی کارگران و زحمتکشان را گرفته و هر روز از قدرت خرید آنان در مقابل گرانی اجناس و مایحتاج اولیه زندگی کاسته می شود. دریافت مالیاتهای رنگارنگ بخصوص مالیات غیر مستقیم کمر فرهنگیان را نیز شکسته است. حقوق و مزایای دریافتی خرج و مخارج را جواب نمی دهد و روز به روز فرهنگیان به زیر خط پررنگ فقر رانده می شوند.

دوم: امنیت شغلی و جو پلیسی مراکز آموزشی و پرورشی

امنیت شغلی فرهنگیان هرآن در معرض خطر قرار دارد. با کوچکترین انتقاد از طرف مسئولان امنیتی، حراست و امورتربیتی مورد بازخواست قرار گرفته و فشارهای شدیدی را متحمل می شوند. اظهار عقیده بشدت سرکوب می شود و جو پلیسی و امنیتی شدید در مراکز آموزشی حاکم است. برای خلاصی از وضعیت موجود فرهنگیان راه خود را انتخاب می کنند و به تشکلهای فرمایشی رژیم پشت کرده و توهم رهائی از وضعیت موجود را از دست می دهند و بالاچار دست به اعتراض می زنند. این اعتراضات در پروسه خود اشکال جدیدی می گیرد و نهایتاً معلمان بضرورت تشکلهای مستقل پی برده و در گسترش و سازماندهی اعتراضات روی می آورند.

اعتراضات فرهنگیان از اوایل دیماه ۱۳۸۰ بصورت پراکنده و با نمایشات خیابانی و نوعی انسجام وارد مرحله جدید می شود. جناحهای رژیم سعی کردند از حرکت معلمان در جهت منافع خود بهره برداری کنند و حتی در مقاطعی این حرکات را تشدید کرده و بستر مناسبی برای ابراز ناراضیاتی معلمان فراهم شد. جناحهای رژیم هر کدام سعی کردند از طریق بالا و با تشکلهای فرمایشی حرکات اعتراضی را کنترل کرده و بنفع خود رهبری کنند. جناح سنتی سعی داشت از این طریق برقوه مجریه و مجلس شورای اسلامی فشار آورد. باند مسلط با طرح خواسته های محدود صنفی و بعضاً تغییر در مدیریت اداری سعی نمود اعتراضات معلمین را در جهت منافع خود سمت و سو دهد. باند دوم خردادی نیز سعی کرد با وعده و وعید و شعار بهبود وضعیت معیشتی معلمان فشار را از دوش خود رها و نهادهای تحت کنترل جناح دیگر را زیر ضرب قرار دهد. با این وجود اعتراضات معلمان جدا از دسته

نیم نگاهی به جنبش اخیر معلمان

بندیهای جناحی مسیر خود را طی می کرد.

۱۰ دی صدها تن از معلمان تهران در اعتراض به وضعیت نابسامان معیشتی و درخواست افزایش حقوق در مقابل دفتر مرکزی وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. تجمع اعتراض با یورش نیروهای انتظامی و ضد شورش مواجه شد و تعدادی از شرکت کنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

۲۶ دیماه روز چهارشنبه بیش از سه هزار نفر از معلمان در مرکز تربیت معلم تجمع کردند. در این تجمع بر تعداد خواسته های صنفی معلمان افزوده می شود. فعالیت معلمان مبارز شدت می گیرد و باتوضیح خواسته ها سعی می کنند افراد بیشتری را با خود همراه کنند. دامنه اعتراضات به شهرستانها کشیده می شود. رژیم با استفاده از تشکلهای فرمایشی سعی می کند حرکات بعدی را تحت کنترل گیرد و از طریق تشکلهای فرمایشی مجوز دریافت و حرکت را بصورت قانونی درآورد.

۲۸ دیماه با دریافت مجوز از وزارت کشور توسط خانه های معلمان و با خواسته های صنفی معلمان در میدان حر اجتماع می کنند. راهپیمائی بطرف میدان انقلاب و حوالی دانشگاه تهران انجام می شود. در طول راهپیمائی کنترل از دست رژیم خارج شده و راهپیمایان در مسیر خیابانها بر علیه وزیر آموزش و پرورش " مرتضی حاجی" و صدا و سیمای جمهوری اسلامی شعار می دهند. تظاهرات ده هزار نفری معلمان مورد استقبال دانش آموزان قرار گرفته و برخی از مدارس تعطیل و بقیه به حالت نیمه تعطیل در آمدند و دانش آموزان نیز در این راهپیمائی شرکت می کنند. وسعت تظاهرات توازن قدرت را بهم می زند و کنترل حرکت اعتراضی از دست گرداندگان اولیه کاملاً خارج می شود. تشکلهای رسمی حکومتی تابع حرکات اعتراضی معلمان قرار می گیرند و نمایشات جناحها خنثی می شود. با فشار معترضین شعارها رادیکال می شود و خواسته های تظاهرات از محدوده صنفی فراتر رفته و به تشکلهای مستقل صنفی می انجامد. حل مشکل مسکن، اصلاح و نحوه عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان، افزایش بیست و پنج درصدی حقوق و مزایا، افزایش عیدی و پاداش آخر سال، پرداخت حق مسکن متناسب با اجاره مسکن، ایجاد سندیکا و اتحادیه صنفی ویژه معلمان و تعدادی خواسته دیگر جزء خواسته راهپیمایان می شود.

راهپیمایان سه شنبه دوم بهمن را روز تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی اعلام می کنند. بلافاصله تشکلهای رسمی حکومتی تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی را غیر قانونی خوانده و عدم شرکت خود را اعلام می دارند و از فرهنگیان می خواهند در تجمع شرکت نکنند، در عین حال خواستار تغییر در ساختار اداری آموزش و پرورش می شوند. وزارت کشور نیز تجمع روز سه شنبه را غیر قانونی اعلام و برای آن مجوز صادر نمی کند. با این حال معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع می کنند و همزمان در شهرهای اصفهان، زنجان، خرم آباد و... اجتماعاتی برگزار می شود. در تهران کارگران همزمان با معلمان در مقابل مجلس دست به اعتراض می زنند. معلمان در پیوند با کارگران شعارهای اتحاد با کارگران را سر می دهند و حرکت اعتراضی آنان رادیکالتر می شود. رژیم سراسیمه نیروهای ضد شورش و انتظامی و لباس شخصی ها را به حالت آماده باش در می آورد. باندهای رژیم که در این بازی میدان را از دست داده بودند مذاکره برای

سرکوب رادر دستور کار خود قرار می دهند و از طریق نمایندگان مجلس سعی می کنند به اجتماع اعتراضی پایان دهند، وعده بررسی و رسیدگی به وضعیت معلمان را می دهند. اعتراضات فرهنگیان بدون خونریزی و دستگیری پایان می گیرد. جنبش معلمان و عملکرد رژیم تا این مرحله رسانه های خارجی و برخی از گروه های سیاسی را به تعجب و می دارد.

جنبش معلمان شکل منسجمی بخود می گرفت. رژیم در تنگنای بسیار دشواری اسیر شده بود و پتانسیل اعتراضی جامعه را بشدت لمس می کرد. رژیم دریافت که معلمان را نمی تواند با وعده و وعید از اعتراضاتشان باز دارد و دریافت بود اگر در مقابل خواسته های معلمان عقب نشینی کند، خود را باید برای اعتراضات گسترده کارگران و دیگر اقشار زحمتکش آماده کند. بر این اساس باندهای حاکمیت باهم کنار آمدند و حرکت مشترکی را سازمان دادند. از طریق تشکلهای فرمایشی از راهپیمائی برائت اعلام کردند. نفوذیهای خود را در درون جامعه معلمین فعالتر ساختند و شعارهای مخرب و تفرقه افکنانه برای تفرقه بین فرهنگیان طرح کردند تا زمینه یورش همه جانبه را آماده کنند. عوامل رژیم با اعلام اینکه جمعیت معلمین جنبه صنفی دارد نه سیاسی، به فرهنگیان می گفتند " مواظب عوامل نفوذی در میان خود باشید و گوش به حرف آنها ندهید. باند دوم خردادی تشکلهائی را قبول دارد که از بالا تشکیل شده و تحت رهبری این باند قرارگیرد، سعی میکند از دید اقتصادی و اجتماعی جنبش را منحرف سازد. اعلام می دارد "تحقق مطالبات اقتصادی و اجتماعی از طریق تشکیل نهادهای مدنی هر قشر و پیگیری آن در قالب جمهوری اسلامی و دولت است"

فرهنگیان که در مقابل گرانی و فقر و فشارهای مضاعف سیستم اداری و امنیتی به اعتراض در آمده اند بدون توجه به آرزوها و امیال باندهای رژیم، ۶ بهمن را روز تجمع در مقابل دفتر ریاست جمهوری اعلام می دارند و با اینکه "وزارت کشور" تجمع "۶ بهمن" را فاقد مجوز قانونی اعلام می کند، معلمان تأکید می کنند "اگر مجوز هم صادر نشود ۶ بهمن تجمع را انجام خواهند داد".

شنبه ۶ بهمن معلمان در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع کردند، این تجمع به تظاهرات تبدیل گردید و خواستار رسیدگی به خواسته هایشان شدند و شعار سر دادند. در این روز بسیاری از مدارس تعطیل شدند و تعدادی از دانش آموزان و مردم به این تظاهرات پیوستند. معلمان اعلام می کردند "به وعده و وعیدهای رژیم اعتمادی ندارند".

وزارت کشور فرمان سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز فرهنگیان را به نیروهای انتظامی صادر کرد. نیروی انتظامی و نیروهای ضد شورش با باطوم به آموزگاران حمله بردند. لباس شخصی ها معلمین را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از تظاهر کنندگان را به داخل اتومبیلهای بی شماره انداخته و با خود بردند.

رژیم جمهوری اسلامی در بحران سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک غوطه ور است. فساد مالی و اداری سراپای وجودش را گرفته، رهبران رژیم، مدیران و رؤسای "مالی و اقتصادی" و سرداران نظامی با رانت خواری و پورسانت گیری به غارت و چپاول مشغول بوده و چوب حراج به منابع و دارائی های مردم زده اند. براساس برنامه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، ارزش کار و ارزش واحد پول را پائین آورده و با ایجاد مناطق آزاد تجاری و قاچاق کالا بازار داخلی را از فرآورده های

نیم نگاهی به وضعیت معلمان

مصنوعات خارجی اشباع کرده است. جالب است که قوه مجریه رژیم رسماً دست به قاچاق کالا زده و در آمد آن را از حساب دولتی خارج ساخته است و با سازماندهی و مدیریت غارتگرانه صنایع و تولیدات داخلی را بناپودی کشانده و هر روز بر تعداد بیکاران و خانه به دوشان افزوده می شود. با تصویب قوانین ضد کارگری و مردمی در مجلس شورای اسلامی با نام جذب سرمایه های خارجی وامضاء قراردادهای "بای بک" ذخائر نفتی و گازی و حتی منابع آبی و . . . را "برای دریافت پورسانت" در اختیار مافیای مالی و چپاول گران بین المللی قرار می دهد. برای باندهای مافیائی رژیم نه منافع مردم مهم است نه منافع ملی، آنچه برایشان اهمیت دارد حفظ اهرمهای قدرت برای غارت و چپاول است. رژیم جمهوری اسلامی نه بفکر کارگران است نه بفکر معلمان و سایر زحمتکشان، آنچه که رژیم به آن فکر می کند حفظ قدرت است و بس. رژیم برای بقا راهی جزء سرکوب درپیش روی ندارد، هرچند باگسترش اعتراضات و جنبش انقلابی، سرکوب نیز بقای رژیم را تضمین نخواهد کرد.

معلمان و سایر فرهنگیان دریافته اند که باید اعتراضات خود را شدت بخشند و تشکلهای مستقل خود را بوجود آورند. منظم و منسجم به سازماندهی اعتراضات خود بپردازند و به اشکال مختلف حرکات خود را زنده نگهدارند "تعطیلی برخی از مدارس شهرستانها و ناحیه های تهران نمونه بارز آن است". با روحیه ضد تشکیلاتی که حاصل سیاستهای رژیمهای دیکتاتوری و ارتجاعی است مبارزه کنند و برای وحدت و انسجام، تشکلهای صنفی و اتحادیه های مستقل را بوجود آورند و با دیگر اقشار و کارگران مبارزه مشترک را آزمایش کنند. فرهنگیان دریافته اند در مقابل هر گونه عکس العمل ارتجاعی باید با تشکل و سازماندهی پیش رفت و رژیم را به زانو درآورد. فرهنگیان دریافته اند برای بدست آوردن حقوق صنفی خود باید تشکلهای صنفی مستقلی برپا کنند. برای بهبود شرایط کار و امنیت شغلی و فرهنگی جامعه شوراهای واقعی مدارس، مراکز آموزشی و ادارات را بوجود آورند و مدیریت مراکز آموزشی و ادارات را بدست گیرند.

اعتصاب و تظاهرات حق مسلم کارگران، معلمان و سایر زحمتکشان است
پیش بسوی ایجاد تشکلهای مستقل صنفی و شوراهای انقلابی

* * * * *

اخبار کارگری جهان**اعتصاب کارگران چاپ در آلمان**

در پی اعتصاب فلزکاران آلمان و گسترش اعتراضات کارگری، کارفرمایان صنایع فلزی مجبور گردیدند مذاکره با نمایندگان اعتصابیان و اتحادیه فلز کاران با افزایش دستمزد ۴ درصد موافقت نمایند.

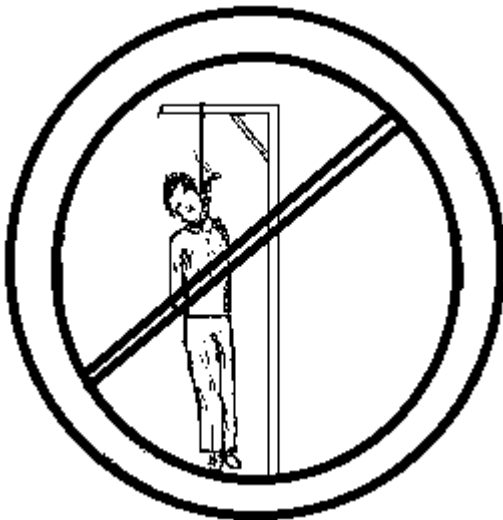
این پیروزی فلزکاران آلمان دور جدیدی در مبارزات کارگران گشود و کارگران دیگر واحدهای صنعتی و تولیدی و . . . در تلاشند تا خواسته های خود را به کارفرمایان تحمیل کنند. روز ۱۲ ماه می، بیش از ۱۳ هزار کارگر صنایع چاپ این کشور دست به اعتصاب زدند و خواستار افزایش دستمزدها به میزان شش و نیم درصد هستند.

* * * * *

اعتصاب عمومی در پرو

روز چهارده ام ماه مه هزاران کارگر در پرو اعتصاب کردند. کارگران با وجود شدیدترین تدابیر امنیتی و حضور هزاران مأمور پلیس، کارگران در چند شهر این کشور دست به تظاهرات زدند و خواستار جلو گیری از حراج کارخانجات دولتی شدند. کارگران در لیما "پایتخت پرو" در مقابل پارلمان این کشور اجتماع کرده و نسبت به سیاست دولت در واگذاری صنایع به بخش خصوصی اعتراض کردند.

* * * * *

**آدرسها و شماره فاکس**

سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست
Kar - Co
Box 10063 S - 400 70
Göteborg / Sweden
فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571
پست الکترونیک نشریه
jahan@fedavi.org